

## الدَّرْسُ السَّابِعُ: مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

در این درس می خواهیم با فعل های جدید و پر کاربردی آشنا شویم که به آنها افعال ناقصه می گوئیم.

### چرا به این افعال، افعال ناقصه می گوئیم؟

دلایل متعدد دارد اما یکی از آن دلیل ها این است که این افعال مانند فعل های دیگر نیازی به فاعل و مفعول ندارند. و به جای فاعل و مفعول به اسم و خبر نیاز دارند

این افعال عبارتند از: كَانَ صَارَ لَيْسَ أَصْبَحَ

به معنای ..... است، بود شد نیست گردید، شد

### ویژگی این افعال:

این افعال قبل از مبتدا و خبر (جمله اسمیه) می آیند و تغییراتی را در مبتدا و خبر ایجاد می کنند این تغییرات عبارتند از:

(۱) مبتدا را اسم خود و خبر مبتدا را خبر خود می کنند. **مثال:**

الطالبُ ناجحٌ ← معنا: دانش آموز موفق است. (الطالبُ: مبتدا و مرفوع، ناجحٌ: خبر و مرفوع)

كَانَ الطالبُ ناجحاً ← معنا: دانش آموز موفق بود. (كانَ: فعل ناقصه، الطالبُ: اسم كانَ، ناجحاً: خبر كانَ)

الْبستانُ جميلٌ ← معنا: بوستان زیبا است. (الْبستانُ: مبتدا و مرفوع، جميلٌ: خبر و مرفوع)

صارَ الْبستانُ جميلاً ← معنا: بوستان زیبا شد. (صارَ: فعل ناقصه، الْبستانُ: اسم صارَ، جميلاً: خبر صارَ)

همانطور که دیدیم كانَ باعث می شود مبتدا از حالت ابتدا بودن خارج شود و اسم قرار گیرد و خبر مبتدا خبر این افعال شود.

(۲) تغییر دوم اینکه افعال ناقصه می گویند اسم ما باید مرفوع ُ و خبر ما باید منصوب َ و ُ گردد

لذا مبتدا که خود مرفوع بود حالا هم که اسم افعال ناقصه شده است مرفوع است اما حرکت خبر باید تغییر کند

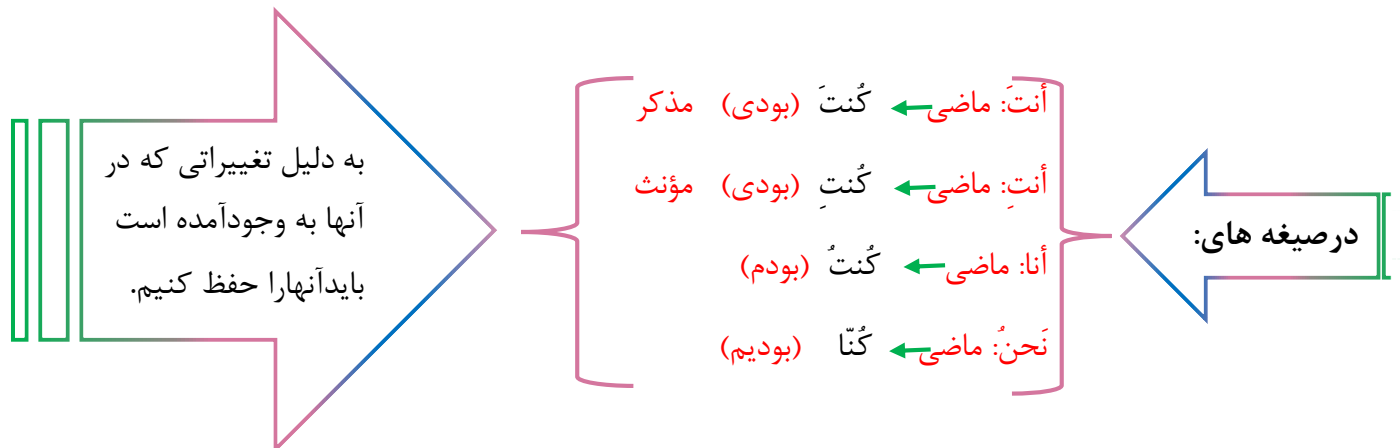
و حرکت آن نصب شود ِ : **مانند مثال های بالا و مثال های بعدی:**

الطالبُ مرفوع مبتدا و مرفوع  
 ناجحُ خبر و مرفوع ← كانَ فعل ناقصه  
 الطالبُ اسم كانَ و مرفوع  
 ناجحاً خبر كانَ و منصوب

المعلمُ مرفوع مبتدا و مرفوع  
 جالسُ خبر و مرفوع ← ليسَ فعل ناقصه  
 المعلمُ اسم ليسَ و مرفوع  
 جالساً خبر ليسَ و منصوب

نکته ۱: دقت کنیم در ماضی و مضارع و امر این افعال تغییراتی ایجاد میشود.

كانَ ← ماضی ← یكونُ ← مضارع ← کُنْ ← امر  
 ↓ ↓ ↓  
 بود می باشد باش



صارَ ← ماضی ← یصیرُ ← مضارع ← امر آن کاربرد ندارد.

أصبحَ ← ماضی ← یصبحُ ← مضارع ← امر آن کاربرد ندارد.

لیسَ ← ماضی ← فقط دارای فعل ماضی است. مضارع و امر ندارد.

**نکته ۲:** کاربرد ترین این افعال، فعل "کان" است. که به آن فعل کمکی می‌گوییم. زیرا:

کان + ماضی = ماضی بعید ← (در ترجمه از کلمه ی "بودن" استفاده می‌کنیم). **مثال:**

کان ذَهَبَ = رفته بود      کُنْتُ ذَهَبْتُ: رفته بودی  
کان جَلَسَ = نشسته بود      کُنْتُ جَلَسْتُ: نشسته بودم  
کُنْتُ ذَهَبْتُ: رفته بودی      کُنْتُ جَلَسْتُ: نشسته بودی

کان + مضارع = ماضی استمراری ← (در ترجمه می + ماضی ساده) قبلاً آموختیم.

**مثال:**

کان يَذْهَبُ = می رفت      کان أَذْهَبُ: می رفتم  
کان يَجْلِسُ = می نشست      کان نَجْلِسُ: می نشستم

**نکته ۳:**

کان + لِ  
کان + عِنْدَ ← **به معنای داشتن** (که معمولاً با ضمیر همراه است)

**مثال:**

کان لِي      کان لَهْ      کان لَكَ  
کان عِنْدِي      کان عِنْدَهُ      کان عِنْدَكَ  
← کتابی داشتم      ← نختی چوبی داشتی  
← کتابی داشتم      ← نختی چوبی داشتی

در این بخش می خواهیم بین افعال ناقصه و فعل های دیگر مقایسه ای داشته باشیم.  
 همان طور که گفتیم فعل ها به فاعل و مفعول نیاز دارند و افعال ناقصه به اسم و خبر. همچنین گفتیم فاعل می تواند به سه صورت اسم ظاهر، ضمیر بارز، ضمیر مستتر باشد. افعال ناقصه هم اسم آن ها می تواند به سه صورت باشد.

لذا در این بخش می خواهیم به اسم افعال ناقصه بپردازیم.

**اسم افعال ناقصه مانند فاعل به سه صورت می تواند باشد:**

(۱) **اسم ظاهر:** یعنی بعد از افعال ناقصه یک اسم می آید که گفتیم آن اسم مرفوع است. لذا هرگاه بعد از این افعال اسم مرفوعی دیدیم اسم این افعال هستند. **مثال:**

صَارَتْ	الْمَدْرَسَةُ	نَظِيفَةً	كَانَ	الطِّفْلُ	يَلْعَبُ
↓	↓	↓	↓	↓	↓
فعل ناقصه	اسم صارَ	خبر صارَ	فعل ناقصه	اسم كان	خبر كان

در مثال های بالا (الطفلُ و المدرسةُ) دو اسم مرفوع هستند.

(۲) **ضمیر بارز:** همانطور که در فعل ها شناسه های آخر فعل فاعل بودند و به آن ها **ضمیر بارز** می گفتیم اگر این شناسه ها آخر افعال ناقصه باشند اسم این افعال خواهند بود. **مثال:**

وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً	كُنْتُ سَاكِتًا
↓	↓
فعل ناقصه ضمیر بارز (تم) اسم كانَ	فعل ناقصه ضمیر بارز (ت) اسم كانَ

در مثال های بالا دقت کنید همان گونه که در فعل ذَهَبْتُ (ت) فاعل بود و در ذَهَبْتُمْ (تم) فاعل بود در

كنتُ (ت) اسم كانَ و در كُنْتُمْ (تم) اسم كانَ خواهد بود.

۳) ضمیر مستتر: در فعل ها یاد گرفتیم که اگر بعد از فعل اسم مرفوع نباشد فعل هم دارای ضمیر بارز نباشد فاعل را ضمیر مستتر می گرفتیم.

در افعال ناقصه هم همین طور است یعنی:

اگر بعد از فعل ناقصه اسم مرفوع نباشد.

فعل ناقصه هم دارای ضمیر بارز (شناسه) نباشد.

اسم این افعال را ضمیر مستتر در فعل می گیریم.

### مثال:

إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُلاً      أَصْبَحَ نَادِماً  
فعل ناقصه      خبر ومنصوب      فعل ناقصه      خبر ومنصوب

### در مثال های بالا دقت کنید:

كَانَ و أَصْبَحَ از فعل ناقصه هستند. بعد از آن ها اسم مرفوع نداریم اسم هایی که بعد از آن ها آمده منصوب هستند پس خبر می باشند.

خود فعل كَانَ و أَصْبَحَ هم ضمیر بارز ندارند.

نتیجه: اسم كَانَ و اسم أَصْبَحَ ضمیر مستتر و پنهان "هو" در خود فعل است.

پس: كَانَ: فعل ناقصه	هو مستتر: اسم كَانَ	مسئلاً: خبر كَانَ
أصبح: فعل ناقصه	هو مستتر: اسم أَصْبَحَ	نادماً: خبر كَانَ

**نکته ۱:** همانطور که خبر مبتدا به سه صورت می آید خبر افعال ناقصه هم می تواند به سه صورت باشد.

(۱) خبر یک اسم باشد ← كَانَ الطَّالِبُ نَاجِحًا (اسم)

↓  
خبر

(۲) خبر یک فعل باشد ← كَانَ الطَّالِبُ يَذْهَبُ (فعل)

↓  
خبر

(۳) خبر می تواند جارومجرور باشد ← كَانَ الطَّالِبُ فِي الصَّفِّ (جارومجرور)

↓  
خبر

**نکته ۲:** خبر افعال ناقصه فقط در صورتی که اسم باشد منصوب ( مَنْ ) می باشد